

شاخص‌های معنوی در برنامه‌های پیشرفت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

محمد جداری عالی*

چکیده

از وظایف اساسی حکمرانی برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های پیشرفت همه‌جانبه در جامعه است که دارای ابعاد متعددی چون پیشرفت در فکر، علم، اقتصاد، امنیت، و ... می‌باشد. یکی از ابعاد اساسی آن، پیشرفت در عرصه معنویت است. از جمله مسائل مهم در برنامه‌ریزی، ارائه شاخص‌های لازم در راستای اجرا و نیز ارزیابی میزان موفقیت آن پس از اتمام دوره‌های مورد نظر می‌باشد. این پژوهش در صدد پاسخ به چستی شاخص‌های معنوی در برنامه‌های پیشرفت کشور است. یکی از روش‌های معتبر برای این منظور، استفاده از روش سیکارن می‌باشد که براساس آن، تدوین شاخص، مستلزم طی چهار مرحله: مفهوم‌سازی عملیاتی از پدیده مورد نظر، استخراج ابعاد، استخراج مؤلفه‌ها و در نهایت طراحی شاخص‌ها و نماگرها است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس آموزه‌های اسلامی مهم‌ترین مفهوم عملیاتی ناظر به پدیده موردسنجش، مفهوم پیشرفت همه‌جانبه در مقابل مفاهیمی چون رشد و توسعه اقتصادی، انسانی و ... است که دارای بار معنایی وسیع‌تری شامل زندگی مادی و معنوی می‌شود. مطابق این مفهوم، معنویت مهم‌ترین بُعد آن تشکیل می‌دهد به طوری که روح حاکم بر سایر ابعاد می‌باشد. بر اساس استفاده‌ای که از آیات قرآن می‌شود، این بُعد از پیشرفت، دارای مؤلفه‌هایی چون ایمان، اخلاص، توکل و ایثار است. این پژوهش با بهره‌مندی از روش یادشده، برای هرکدام از این مؤلفه‌ها شاخص‌ها و نماگرهای متعدد طراحی نموده که تفصیل آن در متن مقاله ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: برنامه‌پیشرفت، پیشرفت معنوی، معنویت، مؤلفه‌های معنوی، شاخص‌های معنوی.

۱۳۷

پیشرفت

سال بیست‌وهشتم / شماره ۱۰۷ / بهار ۱۴۰۲

مقدمه

معنویت یکی از ابعاد اساسی در پیشرفت جامعه بشری است؛ به طوری که همه مکتب‌ها و حتی پیروان مکتب‌های مادی اعتراف دارند که جامعه به نوعی از معنویت نیازمند است (برای نمونه ر.ک: مگی گلین، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵-۱۴۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی رهبر کبیر انقلاب اسلامی همواره در خصوص ضرورت پرداختن به معنویت تأکید داشته است (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۷۳ و ج ۴، ص ۱۸۵ و ج ۷، ص ۳۶۱)؛ همچنان که رهبر معظم انقلاب افزون بر تأکیدات فراوانی که در طول سال‌های گذشته بر این امر داشتند و آن را مهم‌ترین عرصه پیشرفت و روح همه آنها معرفی کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)، یکی از محورهای اصلی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را به این امر اختصاص داده‌اند (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰). ایشان در بیانیه گام دوم ضمن تأکید بر تلاش جهادی بر گسترش اخلاق و معنویت درباره لزوم همراهی حکومت‌ها از طریق لزوم اعمال منش و رفتار اخلاقی و معنوی، زمینه‌سازی برای رواج آن در جامعه از طریق میدان‌دادن به نهادهای اجتماعی در این باره و کمک به آنها، همچنین ستیز با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول، اشاره نموده و فرمودند: «باید در دوره پیش‌رو هوشمندانه و کاملاً مسئولانه در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود» (ر.ک: همان).

یکی از لوازم مهم در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت ارائه شاخص‌های لازم در راستای اجرا و نیز ارزیابی میزان موفقیت آن پس از اتمام دوره‌های مورد نظر است. این نوشتار در صدد است شاخص‌های معنوی پیشرفت را در حکمرانی اسلامی به کاود.

پیش از هر چیزی لازم است بیان گردد که در این مقاله برای معرفی شاخص‌های معنوی پیشرفت از روش سیکارن (Sekaran) استفاده شده است. بر اساس این روش تدوین شاخص مستلزم طی چهار مرحله می‌باشد:

۱. مفهوم‌سازی (ارائه تعریف عملیاتی) که در این مرحله مهم‌ترین مفهوم (Concept) ناظر به پدیده‌هایی است که سنجش وضعیت آن در ابعاد گوناگون مورد نظر می‌باشد؛
۲. استخراج ابعاد (Dimensions) (جنبه‌های قابل مشاهده)؛

۳. استخراج مؤلفه‌ها (Elements) (جنبه‌های قابل اندازه‌گیری ابعاد):

۴. طراحی نماگرها و شاخص‌ها (Individual Indicator): سنجه یا ابزار اندازه‌گیری که

برای سنجش مؤلفه‌ها ارائه می‌شود (Sekaran, 2003, pp.23-24).

در این مقاله برای استخراج «شاخص‌های معنوی پیشرفت در حکمرانی اسلامی» به عنوان سؤال اصلی بر اساس روش یادشده، در مرحله اول، مفهوم پیشرفت به عنوان مهم‌ترین مفهوم ناظر به پدیده مورد سنجش، بررسی می‌شود و در مرحله دوم به مفهوم و ماهیت معنویت به عنوان بُعد مورد نظر ما از میان ابعاد متعدد پیشرفت پرداخته شده و در مرحله سوم مفاهیم ایمان، اخلاص، توکل و ایثار، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت معنوی در ارتباط با حکمرانی اسلامی و به روش تفسیری از آیات قرآن استنباط شده است. در مرحله چهارم شاخص‌های هر کدام بر اساس مفاهیم، ماهیت و اهداف آنها، طراحی شده که تفصیل آن در ادامه مقاله ارائه می‌شود.

۱. مفهوم‌سازی (ارائه تعریف عملیاتی)

در این مرحله مهم‌ترین مفهوم (Concept) ناظر به پدیده‌ای است که سنجش وضعیت آن در ابعاد گوناگون مفهوم پیشرفت اسلامی است. مفهوم‌سازی پیشرفت یکی از اساسی‌ترین و حساس‌ترین مراحل تدوین شاخص مربوطه است. در این خصوص برداشتهای متفاوت و مختلفی از مفهوم پیشرفت و توسعه ارائه شده که به طور طبیعی نتایج متفاوتی را در تحقیق و ارائه شاخص‌های مربوطه به دنبال دارد؛ لذا ضرورت دارد مفهوم مورد نظر دقیقاً طرح شود. لازم است یادآوری شود که منظور از مفهوم‌سازی در این مجال صرفاً ارائه تعریف پیشرفت نیست، بلکه تدوین نگاهی کلی به پیشرفت مورد نظر است.

مفهوم پیشرفت

مفهوم توسعه و پیشرفت، به مرور زمان دچار تحول و تطور بعضاً اساسی شده است. قبل از دهه ۱۹۷۰ میلادی در تمام جهات توسعه با شاخص تولید ناخالص ملی «GNP» و درآمد سالانه ارزیابی می‌شد. در این دوره، رشد اقتصادی محور اصلی شد و نرخ رشد «GNP» سرانه، هدف

توسعه قرار گرفت. با پیش آمدن موضوعاتی مانند بدتر شدن وضعیت نسبی درآمدی فقیران، رشد بیکاری و افزایش تعداد بینوایان و غیره، تلاش های گوناگونی برای اصلاح، تکمیل یا جایگزینی درآمد سرانه به عنوان مقیاسی از توسعه در دهه ۱۹۷۰ بنیاد نهاده شد.

در دهه ۱۹۷۰ دغدغه «وضع عمومی زندگی» در برخی باعث شد مقیاس های توسعه مبتنی بر درآمد، رها شده، به تدوین «شاخص مرکب کیفیت فیزیکی زندگی» (PQLI) بپردازند. این نماگر بر امید به زندگی یک کشور، نرخ مرگ و میر کودک و نرخ باسوادی مبتنی بود (موریس، ۱۹۷۹). در دهه ۱۹۹۰ کوشش دیگری در راستای ایجاد مقیاسی از توسعه انسان محور صورت گرفت که شاخص توسعه انسانی یا توسعه «HDI» نامیده شد. نگرش نوین توسعه انسانی در جستجوی «قراردادن مردم در مرکز توسعه» است (HDR, 1995, p.11). سن در تعریف آنچه حسابداری توسعه انسانی انجام می دهد، می نویسد:

به جای اینکه تنها بر برخی مقیاس های بسیط و سنتی پیشرفت اقتصادی - مانند تولید ناخالص ملی سرانه - تکیه شود، حسابداری توسعه انسانی متضمن سنجش نظام مند از فراوانی اطلاعات درباره چگونگی زندگی انسان ها در هر جامعه است که شامل وضعیت آموزشی و مراقبت های بهداشتی و متغیرهای دیگر می باشد (Sen, 2000, p.18).

برخی ادعا می کنند که «HDI» اهدافش را به طور ناقص منعکس می کند و محتوایی غنی از مفهوم توسعه انسانی به چنگ نمی آورد؛ در حالی که جنبه های مهم دیگری همچون آزادی و حقوق بشر، خودمختاری و اعتماد به نفس، استقلال و حس جمعی، و نگرانی های زیست محیطی را رها می کند. هیکس در سال ۱۹۹۷ میلادی استدلال می کند که صورت کنونی «HDI» مقیاسی میانگین است که به نابرابری های توزیعی توجهی ندارد و مجموعه ای از تفاوت ها و نابرابری های درون کشورها را پنهان می کند (ا. در و اتیتی، ۱۳۸۲، الف، ص ۱۲۹).

گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۹ نیز به این واقعیت اذعان می کند که شاخص های مرکب توسعه انسانی به تنهایی منظره جامعی از توسعه انسانی در یک کشور ارائه نمی کند. برای نیل به تصویری کامل، این شاخص ها باید با مجموعه ای از شاخص های دیگر توسعه انسانی که در گزارش های توسعه انسانی نیز بیان شدند، تکمیل شوند. بر این اساس مقاله «شاخص توسعه انسانی - اخلاقی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)» (ا. در و اتیتی، ۱۳۸۲، ب، ص ۱۱۷). در صدد

معرفی شاخص توسعه انسانی-اخلاقی (E-HDI) به صورت مفهوم جدیدی برمی‌آیند تا ابزارهای نویی را برای مجسم کردن تغییرات اجتماعی و توسعه برای همه کشورها به‌ویژه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی معرفی کنند. ایشان در این راستا پنج بُعد به شاخص سه‌بعدی توسعه انسانی (HDI) می‌افزاید. این ابعاد عبارت‌اند از: توانمندسازی جنسیت؛ تخریب زیست‌محیطی؛ آزادی‌های مدنی و سیاسی؛ ارزش‌های خانوادگی؛ نفوذ مذهبی.

نویسنده «شاخص توسعه انسانی-اخلاقی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)» با یک نگاه جامع و نظام‌مند به مفهوم توسعه اسلامی، در راستای ابداع شاخص‌هایی که چارچوب‌های اخلاقی را در توسعه انسانی وارد می‌کند، سعی کرده است شاخص توسعه انسانی-اخلاقی (E-HDI) محور را جایگزین شاخص توسعه انسانی (HDI) و درآمد محور (GDP) کند؛ اما اینکه تا چه حد در این هدف توفیق داشته، نیازمند ارزیابی جامعی است و مجال وسیع‌تری می‌طلبد (برای توضیح بیشتر ر.ک: همان، ص ۱۳۲-۱۳۳). آنچه در این مجال قابل ذکر است، توجه به اخلاق‌عاری از فلسفه و غایت اخلاق اسلامی است که تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی انسان در راستای استكمال نفس و جامعه و تقرب به خداوند متعال مد نظر دارد.

در دهه‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در راستای اسلامی‌سازی مفهوم توسعه، اصطلاح جدیدی-پیشرفت- را به ادبیات این حوزه وارد کردند (برای نمونه ر.ک: بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) که مفهوم توسعه انسانی را به نحو عمیق‌تری در بر گرفته، اشکالات وارده بر نظریات پیشین را برطرف می‌کند.

با توجه به جهان‌بینی توحیدی اسلام که انسان را منحصر در ماده و زندگی وی را به مادیات و زندگی دنیوی محدود نمی‌کند و برای او حیات معنوی و ابدی قایل است، باید تعریفی برای پیشرفت ارائه داد که ضمن تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان و همچنین خواسته‌های دنیوی و آخروی او، بتواند یک زندگی خوب و گوارا برای وی فراهم کند که از رهگذر آن، بتواند وی را به جایگاه رفیع و سعادت‌مندانه حیات انسانی و ابدی ارتقا دهد. بنابراین ایشان مفاهیمی مانند اخلاق و معنویت را به همراه لحاظ مبدأ و معاد به عنوان روح حاکم بر پیشرفت و توسعه انسانی-اخلاقی معنوی مطرح کردند (همان). مطابق تعریف برخی محققان می‌توان گفت: «پیشرفت اسلامی فرایند تحول بلندمدت، همه‌جانبه، ساختاری و کیفی درون نظام اجتماعی است که نیازهای حقیقی

رو به گسترش جمعیت را از طریق بسط ظرفیت‌های مادی و معنوی انسان در بستر عدالتی فراگیر به منظور دست‌یابی به حیات طیبه با روشی عقلانی برآورده کند» (نقی‌پورفر، ۱۳۷۸، ص ۹۹/جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۸۰).

بر اساس تعریف فوق، لازم است بار دیگر شاخص‌های اخلاقی و معنوی بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی و با لحاظ گوهر و روح لازم آن که بتواند کشور را به یک پیشرفت همه‌جانبه انسانی-اخلاق و معنوی رهنمون سازد، بازخوانی و بازسازی شود. بر اساس تعریف فوق، ویژگی اصلی پیشرفت در عرصه معنویت که لازمه یک حکمرانی اسلامی است، عبارت است از:

الف) بسط ظرفیت‌های عموم انسان‌ها اعم از توانایی‌های مادی و معنوی

از نظر انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی، سیر تکاملی انسان از حیوانیت آغاز می‌شود و به سوی انسانیت کمال می‌یابد. این اصل، هم درباره فرد صدق می‌کند و هم درباره جامعه. با این توضیح که انسان در آغاز وجود خویش جسمی مادی است؛ با حرکت تکاملی جوهری تبدیل به روح یا جوهر روحانی می‌شود. «روح انسان» در دامن جسم او زاییده می‌شود و تکامل می‌یابد و به استقلال می‌رسد. حیوانیت انسان نیز به منزله لانه و آشیانه‌ای است که انسانیت او در او «رشد» می‌یابد و متکامل می‌شود. همان‌طور که خاصیت تکامل است که موجود متکامل به هر نسبت که تکامل پیدا می‌کند، مستقل و قائم به ذات و حاکم و مؤثر بر محیط خود می‌شود، انسانیت انسان - چه در فرد و چه در جامعه- به هر نسبت تکامل پیدا کند، به سوی استقلال و حاکمیت بر سایر جنبه‌ها گام برمی‌دارد. يك انسان تکامل یافته فردی است که بر محیط بیرونی و درونی خود تسلط نسبی دارد. فرد تکامل یافته یعنی وارسته از محکومیت محیط بیرونی و درونی و وابسته به عقیده و ایمان.

تکامل جامعه نیز عیناً به همان صورت رخ می‌دهد که تکامل روح در دامن جسم و تکامل انسانیت «فرد» در دامن حیوانیت او صورت می‌گیرد.

نطفه جامعه بشری بیشتر با نهادهای اقتصادی بسته می‌شود. جنبه‌های فرهنگی و معنوی جامعه

به منزله روح جامعه است. همان طور که میان جسم و روح تأثیر متقابل وجود دارد،* میان روح جامعه و اندام آن - یعنی میان نهادهای معنوی و نهادهای مادی آن - چنین رابطه‌ای برقرار است. همان طور که سیر تکاملی فرد به سوی آزادی و استقلال و حاکمیت بیشتر روح است، سیر تکاملی جامعه نیز چنین است؛ یعنی جامعه انسانی هر اندازه متکامل تر شود، حیات فرهنگی [آن] استقلال و حاکمیت بیشتری بر حیات مادی آن پیدا می‌کند (مطهری، ج ۲، ص ۲۶-۲۷). بنابراین یکی از ویژگی‌های مهم پیشرفت در حکمرانی اسلامی، توسعه ظرفیت‌های معنوی در کنار بسط رفاه مادی جامعه است.

ب) هدف پیشرفت، حیات طیبه

بر اساس مبانی انسان‌شناختی اسلام هدف نهایی انسان، سعادت حقیقی و کمال نفس اوست و آن نیز در گرو تقرب و معرفت به خداوند می‌باشد. طبیعی است امری با این عظمت، با هر نوع زندگی محقق نمی‌شود و زندگی متناسب با خود را طلب می‌کند که در قرآن از آن به «حیة طیبه» (ر.ک: نحل: ۹۷) یعنی زندگی خوب و پاکیزه و در روایات امامان معصوم^{علیهم‌السلام} به «عیش هنیء» یعنی زندگی گوارا تعبیر شده است. بنابراین هدف اساسی حکمرانی اسلامی در راستای پیشرفت جامعه، فراهم کردن زندگی خوب و گوارا برای انسان‌هاست که سعادت حقیقی انسان و جامعه در گرو آن است.

به حسب ظاهر زندگی خوب همچون سعادت، هدف همه مکاتب و ادیان می‌باشد؛ اما آنچه بین آنها متفاوت است، مفهوم و مصداق «زندگی خوب» است. آنها که سعادت را به بیشینه کردن لذات مادی در دنیا معنا می‌کنند، طبیعی است که زندگی خوب را نیز به زندگی‌ای با ویژگی‌های مادی و در جهت تأمین زمینه‌های همان لذات مادی معنا خواهند کرد و آنها که سعادت را در کسب معرفت الهی و تقرب به خدا می‌دانند، طبیعی است که زندگی خوب را در همین راستا معنا خواهند کرد.

* حکمای اسلامی، اصلی در رابطه متقابل روح و بدن دارند که با این عبارت بیان می‌شود: «النفس والبدن یتعاکسان ایجاباً و اعداداً» و برخی با عبارت «النفس والبدن یتعاکسان فی القوة والضعف والکمال والنقص» (ر.ک: صدرالمتألهین، [بی تا]، ص ۲۱۶).

از سوی دیگر نظر به اینکه ساختار وجودی انسان متشکل از جسم و روح است، هر مرتبه از وجود او نیز زندگی مخصوص به خود را دارد؛ به عبارت دیگر انسان دارای دو مرتبه زندگی است؛ زندگی مادی و زندگی معنوی. البته تردیدی نیست که اولاً زندگی معنوی و حیات طیبه ای که خداوند در آیه ۹۷ سوره نحل به زن و مرد نیکوکار وعده فرموده است، زندگی ای حقیقی و جدید است که مرتبه ای بالا و والا از زندگی عمومی بوده و دارای آثاری مهم است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۴۹۲).

ثانیاً این زندگی جدید معنوی و اختصاصی، جدای از زندگی مادی که همه در آن مشترک اند، نیست؛ در عین حال که غیر از آن است، همراه با آن است؛ تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد؛ پس کسی که دارای آن چنان زندگی است، دو نوع زندگی ندارد، بلکه زندگی اش قوی تر و روشن تر و واجد آثار بیشتر است؛ همچنان که روح قدسی که خدای عزوجل آن را مخصوص انبیا دانسته، یک زندگی سومی نیست، بلکه درجه سوم از زندگی است؛ زندگی آنان درجه بالاتری دارد (همان).

ثالثاً اصالت با زندگی معنوی است و زندگی مادی دنیوی در عین حال که ارزش والا و خاص خود را دارد، به لحاظ رتبی مقدمه و زمینه ای برای زندگی معنوی است؛ لذا امیرالمؤمنین علیه السلام در نکوهش کسی که به مذمت دنیا می پرداخت، فرمود:

همانا دنیا سرای راستی برای راست گویان و خانه تندرستی برای دنیاشناسان و خانه بی نیازی برای توشه گیران و خانه پند برای پندآموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا و جایگاه تجارت دوستان خداست که در آن، رحمت خدا را به دست آوردند و بهشت را سود بردند... (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶).

بنابراین می توان گفت: زندگی گوارای انسان در دنیا وضعیتی است که در آن، تمام نیازهای روحی و جسمی وی با توجه به امکانات موجود به بهترین و آسان ترین وجه تأمین شود؛ به گونه ای که زمینه های حیات طیبه و سعادت حقیقی و والایی که خداوند انسان های شایسته و کامل را به آن زنده می کند، فراهم گردند.

۲. بعد معنوی پیشرفت

پیشرفت همه‌جانبه دارای ابعاد متعدد فکری، علمی عرصه زندگی مانند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی است. از جمله مهم‌ترین آنها بر اساس مفهوم پیشرفت اسلامی، بعد معنوی است (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹) که در مفاهیم و برنامه‌های توسعه تا کنون جایگاهی نداشته یا مغفول مانده است. طبق آنچه گذشت، هرچند این مفهوم به عنوان بعدی از ابعاد پیشرفت مطرح می‌شود، وزن آن در تحقق مفهوم و برنامه‌های پیشرفت اسلامی هم‌ردیف و در عرض ابعاد دیگر نیست؛ بلکه به نوعی روح حاکم بر تمام برنامه بوده و لازم است در تدوین و اجرای تک‌تک سایر ابعاد نیز مورد توجه جدی باشد یا دست کم همه ابعاد دیگر برنامه باید پیوست اخلاقی و معنوی داشته باشد. در این مجال در صددیم مفهوم، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی این بعد از پیشرفت را مورد مذاقه قرار دهیم.

معنویت

معنویت* در لغت مصدر جعلی از «معنوی» و به معنای معنوی بودن است (دهخدا، مدخل معنویت). واژه معنوی منسوب به معناست. همچنین معنوی به معانی مختلف مثل «حقیقی»، «راست»، «اصلی»، «ذاتی»، «مطلق»، «باطنی» و «روحانی» و نیز به معنایی که فقط به وسیله قلب شناخته می‌شود و زبان را در آن بهره‌ای نیست، به کار می‌رود (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۴۳، مدخل معنوی).

واژه معنویت هرچند در سخنان بزرگان و علمای اسلامی فراوان دیده می‌شود، در قرآن و حدیث با این ماده مورد استفاده قرار نگرفته، بلکه در ازای واژه معنویت مفاهیمی مانند ایمان به عالم غیب در مقابل عالم شهادت به کار رفته است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳).

مصادیق حقیقی ایمان به عالم غیب باور به مبدأ و معاد است؛ لذا می‌توان گفت از نظر اسلام

* معادل انگلیسی واژه معنویت «Spirituality» می‌باشد که از واژه لاتین «Spiritualitas» گرفته شده است (Sheldrake, 2007, pp.2-3).

معنویت در ارتباط با خدا معنا پیدا می‌کند و منشأ آن، ایمان قلبی و عملی به خداست. امام خمینی^ع معنویت را مجموعه صفات و اعمالی می‌داند که شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به طور اعجاب‌آوری پیش ببرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۸۵).

شهید مطهری معتقد است معنویت بدون ایمان به خدا، بدون ایمان به مبدأ و معاد، بدون ایمان به معنویت انسان و اینکه در او پرتوی غیر مادی حاکم و مؤثر است، اساساً امکان‌پذیر نیست؛ حتی معنویتی که امروزه مورد قبول اغلب مکاتب است و از آن به اومانیزم تعبیر می‌کنند، بدون پیداشدن آن عمق و ژرفایی که ادیان به‌ویژه اسلام پیشنهاد می‌کند، محال است. (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۵۶). بنابراین ایمان به خدا سرسلسله همه معنویات است (ر.ک: همان، ج ۸، ص ۳۱۲) و از این طریق است که انسان به مرتبه‌ای از حیات باطنی دست یافته که سقوط و صعود انسان وابسته به این نوع حیات اوست (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۲۹۳).

البته منظور از ایمان به غیب، صرفاً یک امر قلبی نیست؛ بلکه باید خود را در اتصال با آن حس کند. وقتی انسان اعتقاد دارد که ورای این جهان شهود، یک جهان دیگری وجود دارد و آن، عالم غیب این جهان است و این جهان نیز جهان شهود همان عالم غیب است و خودش را به طور دائم در ساحت و متصل به آن جهان غیب احساس کند، این انسان، معنوی خواهد بود.

پس معنویت عبارت است از حالت باطنی انسان و تجربه اتصال به عالم غیب و عالم ماورای قدسی که برابندی از اعتقاد به توحید است؛ به طوری که بر بینش و رفتار انسان آن‌چنان تأثیر عمیقی می‌گذارد که تمام رفتارها و سبک زندگی او رنگ خدایی به خود می‌گیرد، «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَمَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲) و یاد او در انسان، آرامش قلبی ایجاد خواهد کرد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

در این نگاه، معنویت در ارتباط عمیق، دقیق و آگاهانه از طریق تفکر، ایمان، طهارت و زندگی در چارچوب اراده الهی که باعث تقرب به او خواهد شد، حاصل می‌شود و از آنجا که خداوند متعال در کمال معنویت قرار دارد، هرچه انسان به خدا نزدیک‌تر شود، معنویت او بیشتر می‌شود؛ چراکه قرب الهی صرفاً یک قرب اعتباری نیست؛ بلکه قرب الهی به همان نزدیک شدن حقیقی بندگان به خداست. بنابراین ارتباط با خداوند، راه یافتن به باطن و حقیقت عالم و استشمام رایحه

رحمان در جوار اوست که فرمود: «أَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي» (علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق، ص ۴۸) و استقرار «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر: ۵۵) را در پی خواهد داشت.

در این مجال لازم است بیان شود که در حکمرانی اسلامی، پیشرفت جامعه صرفاً با اصلاح فردی از طریق معنویت و رهایی از مملوکیّت نفس نسبت به تعلقات دنیوی محقق نمی‌شود؛ بلکه بجد باید توأم با عدالت اجتماعی باشد؛ زیرا اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود. در جامعه‌ای که عدالت وجود نداشته باشد، هزاران هزار بیمار روحی و روانی ایجاد می‌شود؛ زیرا محرومیت‌ها، عقده‌های روانی ایجاد می‌کنند و عقده‌های روانی منجر به تولید انفجار می‌شود؛ یعنی اگر جامعه به دو گروه فقیر و غنی و به تعبیر علی علیه السلام به دو گروه گرسنه و سیر تقسیم شود، وضع به همین منوال باقی نمی‌ماند. گروه‌های پرخوردار گرفتار بیماری‌هایی نظیر تفرعن، خودبزرگی بینی و زودرنجی و ... می‌شوند و گروه مقابل دچار بیماری‌های ناشی از محرومیت از قبیل کینه، نفرت، حسادت، خودکم‌بینی و ... می‌شود. بنابراین در حکمرانی اسلامی همان گونه که لازم است مسئله معنویت را با جدیت تمام دنبال کرد، به همان شدت نیز باید مسئله عدالت پیگیری شود؛ چراکه عدالت اجتماعی مقدمه برای عدالت باطنی است. همچنین عدالت خواهی باید توأم با معنویت باشد. متأسفانه در دهه‌های اخیر در جامعه ما از طرف نیروهای انقلابی سخن از عدالت فراوان گفته می‌شود، ولی حرف چندان‌انی از معنویت زده نمی‌شود؛ در حالی که عدالت بدون معنویت هیچ سودی نمی‌بخشد، بلکه به ضد خود تبدیل می‌شود.

۳. مؤلفه‌های معنوی پیشرفت

مؤلفه‌های معنوی، جنبه‌های قابل مشاهده‌ای از گفتار، کردار و حالات درونی متأثر از تجربه اتصال به عالم غیب و عالم ماورای قدسی می‌باشد که برآیندی از اعتقاد به توحید است و بر اساس آن، جامعه، گروه یا افراد، مورد قضاوت واقع شده و با واژگان پیشرفته یا عقب‌مانده و متکامل یا متناقض ارزیابی می‌شوند. در آموزه‌های اسلام مؤلفه‌های متعددی مورد توجه و توصیه واقع شده است. در این مجال سعی شده مهم‌ترین مؤلفه‌های معنوی پیشرفت را بر اساس تعریف ارائه شده از پیشرفت و معنویت و با استفاده از آیات قرآن استخراج و شاخص‌های اساسی که قابل مشاهده و

سنجش‌اند، ارائه شود.

مؤلفه‌های معنوی پیشرفت در قرآن

در برخی آیات قرآن وقتی از پیشرفت ملت‌ها و جوامع سخن به میان می‌آید، خطاباتمانند «تعالوا» مواجه می‌شویم که در صدد ارائه اعتلای ملت‌ها و جوامع در پرتو بینش توحیدی می‌باشد. این مفهوم با مفهوم پیشرفتی که ارائه شد، سنخیت بسیار زیادی دارد؛ چراکه از سویی معنای لغوی پیشرفت به معنای جلوتر رفتن و ارتقا آمده است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۲۵) که از مجموعه بیانات مبداً این مفهوم (آیت‌الله خامنه‌ای) همین معنای لغوی برای پیشرفت استفاده می‌شود (برای نمونه ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۲۵): از سوی دیگر در ادبیات فصیح عرب اگر کسی مثلاً در دامنه کوه است و بخواهد دیگری را امر کند که از قله کوه بالا برود، به او می‌گوید: «اطلع: بالا برو» و اگر آن کس در قله کوه است و دیگری در دامنه کوه است و بخواهد او را امر کند که به بالای کوه بیا، به او می‌گوید: «تعال» - یعنی بالا بیا- که مشتق از علو است (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۰۲. سفری، ۱۳۸۳، ص ۹۶). برخی مفسران نیز با توجه به این معنا، واژه «تعالوا» را به حسب اصل لغت عربی از ماده تعالی که به معنای ارتفاع است، دانسته و آن را «به سوی بالا بیاید» معنا کرده‌اند (طباطبایی، ۱۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۰۳/ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۵۲). علامه جوادی آملی نیز ضمن تأیید این معنا اضافه می‌کند پیامبران علیهم‌السلام که از امت خویش مکانتی برتر داشته، امت خود را از بلندای نبوت و وحی فرا می‌خواندند، به امر خدا از کلمه «تعالوا» بهره می‌جستند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۵۱).

از آنجا که آیات با خطابات «تعالوا» رسالت همه انبیای الهی را مشخص می‌کند، چراکه از انسان‌ها می‌خواهد به ندای رسول خدا که در مرتبه بالایی قرار گرفته است، پاسخ دهند (سفری، ۱۳۸۳، ص ۹۵-۹۶) و رسالت حکمرانی اسلامی نیز همانا رسالت انبیای الهی می‌باشد، لذا تعالی انسان‌ها و جوامع انسانی در راستای خداگونه‌شدن و نیل به حیات طیبه در واقع رسالت حکمرانی اسلامی تلقی می‌شود. این معنا با مفهوم پیشرفت به ویژه پیشرفت معنوی که به نوعی ارتقا و ارتفاع به سمت عالم بالا و ملکوت می‌باشد، کاملاً سازگار و متناسب است. بنابراین می‌توان

گفت مطالعه مضمون آیات قرآنی مشتمل بر خطابات «تعالوا» به نوعی ما را به پیشرفت معنوی جامعه و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن رهنمون می‌سازند؛ لذا برای استنباط آن مؤلفه‌ها لازم است آیات یادشده را مطالعه کنیم. در قرآن حدود هفت آیه با این تعبیر دیده می‌شود که بر اساس آنها مقوله‌هایی مانند ایمان، اخلاص، ایثار و توکل به عنوان مؤلفه‌های پیشرفت قابل استنباط است که به اختصار به آنها می‌پردازیم.*

الف) ایمان

ایمان در مقابل عصیان، کفر و نفاق قرار دارد. ایمان به خدا و سایر اصول دین مهم‌ترین مؤلفه‌های معنوی بلکه حد نصاب آنهاست. از جمله آیاتی از قرآن که به مؤلفه ایمان در فرایند حکمرانی دلالت دارد، آیه ۶۱ سوره نساء است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا» (نساء: ۶۱).

این آیه به دنبال دعوت به پیروی از حاکمیت الهی در آیه ۵۹ و نهی شدید از مراجعه به حاکمیت طاغوت و داوران جور در آیه ۶۰ همین سوره آمد است. در آیه ۵۹ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...».

در این آیه به اصل مقصود در حاکمیت الهی می‌پردازد و در ادامه با یک زبانی چند ویژگی و فرع را بر آن مترتب می‌سازد؛ فروعی که با آن، اساس جامعه اسلامی را مستحکم می‌سازد و آن عبارت است از اینکه اولاً مسلمانان را تحریک و ترغیب می‌کند به ائتلاف و اتحاد چنگ بزنند و هر اختلاف و تنازعی که پیش آید، به حاکمیت خدا و رسول او واگذار نمایند. پر واضح است که این امر فرع بر ایمان به خدا و فرستاده اوست و قوام حاکمیت الهی به ایمان به خدا و رسول است.

توضیح آنکه بی‌تردید فرمان «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» در آیه به عنوان پیش‌زمینه برای مطالب بعدی آمده است و آن مطلب عبارت است از اینکه دستور دهد، مردم در هنگام بروز نزاع، به خدا و رسول او مراجعه کنند. نیز بعد از آن، جمله‌های بعد است که یکی پس از دیگری از این

* لازم است یادآوری شود که رهبر معظم انقلاب نیز همین مؤلفه‌ها را در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داده است.

جمله مورد بحث، نتیجه گیری شده است؛ از جمله آیه بعدی که به نهی از تبعیت از حاکمیت طاغوتی که مقابل حاکمیت الهی است اشاره دارد و می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ... مگر آن کسان را که خیال می کنند به کتاب تو و کتاب های پیشین ایمان دارند، نمی بینی که می خواهند محاکمه نزد حاکم طاغوتی ببرند، با اینکه مأمور شدند به طاغوت کفر بورزند» (نساء: ۶۰). از جمله فروع حکمرانی الهی همین آیه مورد بحث ماست (نساء: ۶۱) که دعوت به ایمان می کند که موجب تعالی و پیشرفت به سوی «ما انزل الله و الی الرسول» است و همین تسلیم حکم خدا و رسول خدا ﷺ بودن، علامت ایمان واقعی و تسلیم در برابر احکام خدا است. حتی در برابر حکم تکوینی خدا چرا که تسلیم بودن در برابر حکم دینی و تشریعی خدا، دلیل بر تسلیم بودن در برابر حکم تکوینی او است.

اما منافقان را می بینید که هرچند در ظاهر خود را مؤمن و تابع حکومت الهی به حاکمیت رسول الله معرفی می کنند ولی در عمل به حاکمیت طاغوت دل بسته اند و مقاومت به خرج داده و از قبول دعوت پیامبر ﷺ اعراض و امتناع می کنند و با تمام نیرو مردم را از آمدن نزد او باز می دارند. درحقیقت قرآن می گوید: مراجعه آنها به طاغوت يك اشتباه زودگذر نبوده که با یادآوری اصلاح گردد، بلکه مقاومت و اصرار آنها در این کار نشان دهنده روح نفاق و ضعف ایمان آنهاست، و آلا با دعوت پیامبر ﷺ بیدار می شدند و به اشتباه خود اعتراف می کردند.

مضمون آیه فوق در آیه ۱۰۴ سوره مائده* نیز به نوعی تکرار شده و شأن حکومت الهی در دعوت به تعالی به واسطه هدایت و ایمان به حکم خدا و حاکمیت رسول خدا یادآور می شود.

ب) توکل

یکی از مهم ترین مؤلفه های معنوی که لازمه یک نظام اسلامی و انقلابی است و ضرورت دارد در برنامه های پیشرفت مورد پیگیری جدی قرار گیرد، توکل بر خداست که نتیجه آن، افزون بر کسب کمالات معنوی در آحاد مردم و جامعه، تقویت نوعی روحیه «ما می توانیم» در مسئولان و شهروندان در راستای پیش برد اهداف نظام اسلامی را در پی دارد. راغب اصفهانی بر آن است که اگر

* وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (مائده: ۱۰۴).

کلمه توکل با «علی» بیاید به معنای اعتمادکردن است؛ مثل «توکلت علی فلان»؛ یعنی من بر فلانی اعتماد کردم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۲). مفهوم اصطلاحی توکل به این معنا در روایتی از زبان جبرئیل و در جواب پیامبر ﷺ از حقیقت توکل بر خدا چنین آمده است:

دانستن اینکه مخلوقاتش نه ضرری می‌رسانند نه نفعی، نه چیزی می‌دهند، نه مانع چیزی می‌گردند، باید از مخلوقاتش مأیوس گشت. وقتی بنده به این درجه رسید، آن‌گاه برای غیر خدا کار نمی‌کند و قلبش به بیراهه نمی‌رود و از غیر او نمی‌هراسد و به غیر او دل نمی‌بندد، این است معنای توکل (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۶۱).

لذاست که حاکمیت روح توکل در نظام اسلامی، ما را به شعار «نه شرقی و نه غربی» رهنمون می‌سازد که مانع وابستگی و دلبستگی به هر کدخدا و قدرت خارجی* و حتی اتکال به قدرت‌های غیر الهی مادی داخلی خود شده و راه پیشرفت را در اتکال به شایسته‌ترین قدرت که همانا قدرت بی‌انتهای خداوند است، معرفی می‌کند؛ چنان‌که در عبارتی منسوب به امام صادق ﷺ از حقیقت توکل به ایشار تعبیر شده است و اینکه اصل ایشار در حقیقت این است که شخص دیگری را به جای خود ترجیح دهد و بر خود مقدم دارد و امور خود را به او واگذارد و چیزی را به آن کسی بدهد که از خود مستحق‌تر می‌داند. این مطلب در مورد توکل بر خدا به این معناست که در توکل به خدا، چون شخص، خداوند را برای اتکا سزاوارتر از خودش می‌داند، لذا او را بر خود ترجیح داده، امور خود را به او واگذار می‌کند (ر.ک: امام صادق ﷺ (منسوب)، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶۴-۱۶۵).

در قرآن می‌خوانیم: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ... وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ...» بگو بیایید تا برایتان بخوانم آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده، ... و فرزندان خویش را از بیم فقر مکشید که ما شما و ایشان را روزی می‌دهیم و...».

کشتن فرزندان از ترس هزینه زندگی آنان در میان عرب جاهلیت سنتی جاری بود؛ چون سرزمین‌های عرب غالب سال‌ها دستخوش قحطی و گرانی می‌شد و مردم وقتی می‌دیدند که قحط‌سالی و فقر آنان را تهدید می‌کند، فرزندان خود را می‌کشتند تا ناظر ذلت فقر و گرسنگی آنان نباشند. ریشه این عمل، عدم توکل بر خدا و گمان باطل تکیه بر توان خود و عوامل مادی طبیعت

* رهبر معظم انقلاب در بیانی استقلال را از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه پیشرفت و توسعه معرفی می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

است؛ لذا در آیه فوق که آنها را از این عمل زشت نهی کرده، نهی را با جمله «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» تعلیل کرده و فرموده است: منطق شما در فرزندکشی جز این نیست که نمی توانید روزی و هزینه زندگی آنان را فراهم نمایید و این منطق غلط است؛ چراکه شما تکیه بر خود دارید و تصور می کنید این شماست که روزی فرزندان را فراهم می کنید، در حالی که باید توکلتان بر خدا باشد و بدانید خداوند متعالی است که روزی ایشان و خود شما را می دهد، پس شما چرا می ترسید و از ترس، آنان را به دست خود می کشید؟*

البته توکل به این معنا نیست که قوای فکری و جسمی جامعه تعطیل شود و به انتظار بنشیند تا خدا به جای آن، عملی انجام دهد. توکل به معنای دعوت به حرکت و فعالیت همراه با اتکای به قدرت بی پایان الهی است که تضمین الاهی بر موفقیت را در پی دارد. هر جا که قرآن می خواهد بشر را وادار به عمل کند و ترس ها و بیم ها را از انسان بگیرد، می گوید ترس و توکل به خدا کن، تکیه ات به خدا باشد و جلو برو، تکیه ات به خدا باشد و حقیقت را بگو، به خدا تکیه کن و از کثرت انبوه دشمن ترس (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۴۵۲).

اساساً توکل مربوط به مقام انجام کار و تصمیم گیری مهم است. در خصوص امر مهمی همچون پیشرفت و اعتلای همه جانبه جامعه اسلامی، حکمرانان مسلمان ضمن اینکه تمام تلاش خود را اعم از برنامه ریزی و تهیه مقدمات کار و سرمایه و غیره برای احاد جامعه به کار می گیرند و در مقابل مشکلات متعدد اعم از تهدیدها و تحریم های دشمنان داخلی و خارجی مقاومت و استقامت می ورزند که خود ضمن اینکه پیشرفت معنوی جامعه به حساب می آید، باعث رفع بخشی از مشکلات نیز می شود؛ لذا لازم است با توکل به خداوند به عنوان عظیم ترین و مطمئن ترین تکیه گاه در برنامه های پیشرفت وارد شوند و با امید به نتیجه مطلوب پیش روند و اگر برنامه ها در نظام اسلامی با این ویژگی پیش برود، خداوند نیز یاری کرده، بر توفیقات آن می افزاید. یکی از توفیقات آن است که جدیت و تلاش در آن، دوچندان خواهد بود و این امر، توفیقش را آسان خواهد ساخت و مهم تر از همه، به آحاد جامعه در انجام کارهای بزرگ قوت قلب عطا کرده و بر احساس

* لازم است یادآوری شود این منطق دوران جاهلیت عربی در دوران جاهلیت مدرن غربی امروز نیز به شکلی جاری است و صد تأسف که در نظام جمهوری اسلامی نیز نفوذ کرده و تلقین شد که توسعه کشور در سایه کنترل جمعیت از طریق کشتن فرزندان در رحم مادران به شیوه های مدرن میسر است.

ناتوانی غلبه خواهد داد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام توکل بر خدا را ریشه قوت قلب معرفی می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۷)

این ثمره مهمی است که جامعه با توکل بر خدا، از صلابت و استقامت در کارها برخوردار می‌شود. در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام روایتی نقل شده که «الْمُتَوَكِّلُونَ» در آیه «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (ابراهیم: ۱۲) را به «الزَّارِعُونَ» یعنی کشاورزان تفسیر کرده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۲۲). این تفسیر بیان‌گر آن است که توکل همراه یا بعد از اقدام به مقتضیات عمل است؛ زیرا ویژگی کشاورز این است که نکشته و زحمت نکشیده، منتظر برداشت محصول نمی‌نشیند، بلکه کارهای لازم از قبیل شخم زمین و کاشت بذر و غیره را انجام می‌دهد و در حصول نتیجه نه به فعالیت‌های خود بلکه به خدایی تکیه می‌کند که مسبب الاسباب است. در حکمرانی اسلامی نیز فرض بر این است که امور بر اساس تقوا و به طور معقول و منطقی تدبیر و عملی می‌شود و در ادامه بر قدرت و تدبیر خداوند متعال توکل می‌شود؛ لذاست که در آن، بن بست معنا ندارد؛ چراکه طبق فرموده قرآن «هر کس تقوای الهی را پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و هر کس بر خداوند توکل کند، کفایت امرش را می‌کند. خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است» (طلاق: ۲-۳).

در مقابل نظام غیر متوکل بر خدا، بر توانایی‌های غیرخدا - اسباب مادی خود یا دیگر قدرت‌های جهانی - تکیه می‌کند و خداوند نیز او را به حال خود رها می‌کند و در نتیجه از راه حق منحرف و در زمره مبغوض‌ترین‌ها نزد خدا محسوب می‌شود (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۷، ص ۵۹).

ج) اخلاص

از جمله مؤلفه‌های معنوی که لازمه پیشرفت در نظام اسلامی می‌باشد، اخلاص در نیت در تمام اعمال فردی و اجتماعی است. در قرآن کریم می‌خوانیم: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ: بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی کلمه‌ای که تمسک به آن بر ما و شما لازم است و آن این است که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگیریم و یکدیگر را به

جای خدای خود به ربوبیت نگیریم، اگر نپذیرفتند بگویند شاهد باشید که ما مسلمانیم» (آل عمران: ۶۴).

پیام اصلی این آیه شریف دعوت به کلمه «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ» است که کلمه اخلاص نامیده شده است (حسینی زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۱۷، ص ۵۶۳/ ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۷۳)؛ چنان که به سوره توحید، سوره اخلاص هم گفته می شود (حسینی زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۱۷، ص ۵۶۳/ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۹). افزون بر این بسیاری از مفسران در ذیل آیه فوق فقراتی از آن را به اخلاص تفسیر کرده اند؛ برای نمونه برخی، فقره «اشْهَدُوا بِنَاتَانَا مُسْلِمُونَ» را به «مخلصون و مقرون بالتوحيد» معنا کرده اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۶۷/ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۸۱/ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۵۲/ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۵۵/ حقی بروسوی، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۷). برخی دیگر گفته اند فقره «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» به معنای «أن نوحده بالعبادة و نخلص فيها» می باشد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۱/ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۸۶/ شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱).

خلاصه مطلبی که از آیه استفاده می شود، این است که پیامبر خاتم ﷺ بشر را دعوت می کند به اینکه چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی بر اساس کلمه توحید - اخلاص - حرکت کند و اعتقاد به توحید به معنای ضرورت تطبیق اعمال فردی و اجتماعی بر معیار اخلاص برای خداست که عبارت اند از: تسلیم خدا شدن و بسط عدالت؛ یعنی گسترش تساوی در حقوق اجتماعی زندگی و نیز آزادی در اراده صالحه و عمل صالح.

این ایده تحقق نمی یابد مگر اینکه در فرایند حکمرانی، ریشه های شرک و اختلاف یعنی تجاوزهای بناحق، استخدام و تحکم زورمندان بر فرودستان، همچنین بردگی ضعیفان برای قدرتمندان از جامعه برچیده شود. پس هیچ «اله»ی به جز الله نیست و هیچ ربی جز او نیست و هیچ حکمی جز برای خدا نیست. این همان مطلبی است که آیه «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ...»، بر آن دلالت دارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۴۸).

از جمله آیاتی که در ضمن آیات مشتمل بر واژه «تعالوا» و دال بر مؤلفه اخلاص در پیشرفت معنوی می باشد، آیه ۶۱ سوره آل عمران است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا

نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ: پس هر کس با تو درباره بندگی و رسالت عیسی ﷺ مجادله کرد، بعد از علمی که از مطلب یافتی، به ایشان بگو بیاپید ما فرزندان خود و شما فرزندان خود را، ما زنان خود و شما زنان خود را، ما نفس خود و شما نفس خود را بخوانیم و سپس مباحله کنیم و دوری از رحمت خدا را برای دروغگویان که یا ماییم یا شما، درخواست کنیم» (آل عمران: ۶۱). مقاتل بن سلیمان در تفسیرش واژه «نبتهل» را به «نخلص الدعاء إلى الله» تفسیر می‌کند (مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۲۸۱)

افزون بر این وقتی پیامبر خدا ﷺ، خود و عزیزترین کسانش علی بن ابی طالب ﷺ و دخترش حضرت فاطمه ﷺ و فرزندانش امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ را در معرض مباحله و لعن الله قرار داده و پایداری می‌کند، حاکی از درجه‌اعلای اخلاص او برای خدا و ترویج دین خداست که طرف مقابل به خاطر فقدان حتی ذره‌ای از آن در مرحله عمل از مباحله منصرف می‌شود.

نظام‌های متداول غیرخدایی عموماً به خاطر فقدان مؤلفه اخلاص، دچار آسیب‌های متعدد دنیاطلبی از قبیل قدرت‌طلبی، حزب و گروه‌گرایی و منفعت‌طلبی اقتصادی و... است که مفسد فراوانی را در پی دارد؛ اما در حکمرانی اسلامی، تقویت روح اخلاص در جامعه به‌ویژه حکمرانان و آنها که در معرض حکمرانی هستند، مهم‌ترین وسیله آسیب‌زدایی به حساب آمده، به فرموده حضرت امام صادق ﷺ به واسطه اخلاص، اعمال بافضیلت در جامعه جمع می‌شود (مصباح الشریعة، ص ۳۶)؛ زیرا اخلاص موجب کمال و برتری هر عملی است و چون تحقق یابد، بسیاری از فضایل و محاسن اعمال نیز محقق می‌شود و این چیزی جز پیشرفت معنوی نیست.

(د) ایثار

ایثار به معنای برگزیدن، عطاکردن، سود دیگران را بر منفعت خویش مقدم‌داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم شمردن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۶۸) و در اصطلاح آن است که بر نفس آسان باشد که از مایحتاجی که مخصوص اوست، بگذرد و به کسی که استحقاق آن را دارد، بذل کند (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹، ص ۷۹).

ایثار ابعاد مختلفی دارد. گاهی با فداکردن جان است و گاهی با گذشتن از مال. زمانی هم با هزینه‌کردن اعتبار و آبرو و البته برخی اوقات هم می‌تواند ترکیبی از اینها باشد که فرد به طور آزادی و

به خاطر یک هدف و آرمان مقدس و والا، تصمیم بگیرد از علایق و داشته‌های خویش چشم‌پوشی نموده، دغدغه‌ها و منافع دیگران را بر خود ترجیح دهد و در راه برطرف ساختن مشکلات پیش روی دیگری تلاش کند؛ آنچنان که نمونه آن را طبق فرمایش قرآن، «... و آنها (مهاجرین) را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خود نیز محتاج باشند...» (حشر: ۹) در ایثار انصار مدینه در قبال مهاجرین عمل کردند که افزون بر تعالی معنوی فردی آنها موجبات انسجام و اتفاق جامعه اسلامی را فراهم نمود.

نیک می‌دانیم که یکی از مظاهر بارز ایثار، جهاد در راه خدا و ایثار جان است. این آیه شریفه «وَلِيُعَلِّمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ اذْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعَانَاكُمْ»* (آل عمران: ۱۶۷).

همراه با آیات قبل و بعدش مربوط به حوادث جنگ احد است که فرماندهی مستقیم آن را شخص پیامبر اکرم ﷺ بر عهده داشت. این آیه با خطاب «تعالوا» در واقع منافقان را که غوطه‌ور در زندگی مادی و در حضيض معنویت بودند، دعوت به تعالی به واسطه جهاد و ایثار می‌کند که پیشرفت معنوی و حیات طیبه‌ای همراه با رزق و نعمات الهی و شادی و آسایش جاودانی دور از هر نوع غم و اندوه را در پی دارد؛ چنان که در ادامه آیه، آیات «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۶۹-۱۷۱) گویای آن است و این بیانگر آن است که در نظام الهی و زیر پرچم توحید، جنگ و جهاد با تمام رنج‌ها و تلخی‌های ظاهری‌اش مفاهیمی مانند ایثار را در بطن خود دارد که شیرین‌ترین و گواراترین حیات را که غیرقابل تصور است، به ارمغان می‌آورد.

نظام جمهوری اسلامی در ایران به عنوان ثمره شجره طیبه انقلاب اسلامی، با ایثار و ازجان‌گذشتگی‌های دست‌پرورده‌های مکتب انسان‌ساز اسلام بوده است. بقای آن نیز بی‌تردید بدون ایثار و فداکاری نسل‌های بعدی ممکن نخواهد شد. انقلاب برای تحقق و ادامه حیات طیبه خود همواره نیازمند ایجاد و تقویت فرهنگ ایثار در جامعه می‌باشد که برنامه‌های پیشرفت کشور

* و تا معلوم شود حال آنهایی که در دین نفاق و دورویی کردند و چون به آنها گفته شد بیایید در راه خدا جهاد یا دفاع کنید عذر آوردند که اگر ما به فنون جنگی دانا بودیم، از شما تبعیت نموده و به کارزار می‌آمدیم.

باید فرهنگ‌سازی لازم را در این خصوص طراحی و به اجرا درآورد.

۴. طراحی شاخص‌ها و نماگرها

شاخص (Indicator-Index) در اصطلاح، وسیله اندازه‌گیری و سنجش یک متغیر خاص در یک زمان یا مکان خاص و مقایسه این اندازه با اندازه همین متغیر در زمان یا مکان دیگر است. (جلیلی خشنود، ۱۳۷۹، ص ۶۳) از نظر برخی مراد از شاخص، معیاری کمی است که با تمرکز بر پاره‌ای از متغیرهای کلان، وضعیت توسعه و پیشرفت کشورها و مناطق را می‌سنجد. و بر این اساس تمایز میان معیار و شاخص را این‌گونه مطرح کرده که «معیار» اندازه‌گیری ویژگی‌های موضوع مورد سنجش را به صورتی کلی بیان می‌کند؛ ولی «شاخص» این ویژگی‌ها را به صورت کمی و عملیاتی می‌سنجد. (توکلی، ۱۳۹۰، ص ۳۵)

مراد ما از شاخص، معیاری کمی است که با تمرکز بر پاره‌ای از متغیرهای کلان، وضعیت پیشرفت معنوی کشور و مناطق آن را می‌سنجد.

در ارتباط با روش سنجش معیارها و مؤلفه‌های یک پدیده برخی معتقدند که برای سنجش باید مجموعه‌ای از نماگرها و شاخص‌ها را مورد محاسبه قرار داد (برای نمونه ر.ک: ون دی ونت و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۷). در مقابل، عده‌ای نیز بر آنند که با ترکیب این نماگرها، به نشانگر واحد یا شاخص واحد دست یابند. در این مقاله مجال پرداختن تفصیلی به این اختلاف نظر در حوزه اندازه‌گیری وجود ندارد. ما با توجه به ماهیت کار که تدوین شاخص‌های معنوی پیشرفت می‌باشد به دلایل زیر روش سنجش از طریق مجموعه‌ای از نماگرها و شاخص‌ها را مناسب دانسته و به کار می‌بندیم:

۱. بسیاری از جنبه‌های پیشرفت معنوی، در دنیای واقع، کمیت‌پذیر نیستند؛ از این رو، نمی‌توان برای آنها کمیت خاصی معین کرد.

۲. پیشرفت معنوی پدیده‌ای دارای چندین مؤلفه است؛ این مؤلفه‌ها دارای مقیاس‌های سنجش متفاوتی هستند که نمی‌توان آنها را به مقیاس واحدی تبدیل کرد.

۳. نماگر واحد از پیشرفت معنوی نمی‌تواند جلوه‌های مختلف سیاست‌گذاری را برای

حکمرانان نشان دهند.

۴. در ارائه نماگر واحد، ما مجبور به وزن دادن به زیرنماگرها هستیم. از آنجا که وزن دادن عینی به اهداف معنوی امکان‌پذیر نیست، وزن‌دهی عمدتاً باید به صورت ذهنی صورت گیرد که این امر وظیفه سیاست‌گذاران به عنوان نمایندگان جامعه است. اگر ما نماگرهای متعدّد ارائه دهیم، با توجه به اینکه عموماً آن نماگرها و شاخص‌های متعدد در معارف دینی ما به‌نوعی ارزش‌گذاری شده‌اند لذا سیاست‌گذاران با بهره‌مندی از آن آموزه‌ها می‌توانند به آنها وزن دهند.

الف) شاخص‌ها و نماگرهای سنجش ایمان

جهت سنجش ایمان و مبادی شناختی و انگیزشی آن، می‌توان از شاخص‌های زیر بهره جست: میزان پای‌بندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام ایمان به خدا و روز جزا باعث پایبندی شخص به شعائر و عبادات و مناسک دینی فردی از قبیل نماز و روزه و ... و نیز مناسک اجتماعی از قبیل نمازهای جماعت و جمعه و حج و ... می‌شود. خصوصاً مناسک اجتماعی که از میزان مشارکت در مساجد و مصلی‌ها تا حدی قابل مشاهده و محاسبه هستند.

میزان اعتقاد و التزام به ویژگی‌های انسان کامل از نظر دین انسان‌های کامل در مکتب ما در سیمای حضرات معصومین علیهم‌السلام به عنوان اولیا و اوصیای الهی پدیدار شده است. و اعتقاد راستین به آنها، تبعیت، الگوگیری از آنها و اظهار محبت و گرامیداشت نسبت به آنها را به دنبال دارد؛ لذا هرچه کمیت و کیفیت این نمادها در بین مردم بیشتر باشد، نشان‌گر ایمان مردم به آنها و به خداوند آنهاست.

میزان اعتقاد و التزام به ویژگی‌های اقتصادی اسلامی طبیعی است کسی که به خدا و پیامبرش و دین و قرآن او ایمان داشته باشد تبعاً خواهان و ملتزم به پیاده شدن دستورات آنها از جمله دستورات اقتصادیشان خواهد بود.

میزان پای‌بندی به هویت دینی

هر دینی هویت خاص خود را دارد. دینداران آن به واسطه پایبندی و التزام به آن دین هویت آن را

به خود می‌گیرند بنابراین هرچه پابندی به هویت دینی بیشتر باشد حاکی از میزان دینداری و ایمان آنها می‌باشد.

میزان پای‌بندی به روابط شرعی میان زن و مرد

آموزه‌های الهی اساساً در راستای تنظیم روابط انسان با خدا، با خود، طبیعت و دیگر انسان‌هاست. از جمله آموزه‌های الهی که مربوط به روابط میان انسان با دیگران است، احکام مربوط به زن و مرد، محرم و نامحرم است. طبیعی است هر کس ایمان بیشتری داشته باشد به موازین شرعی در این روابط پایبندتر خواهد بود.

ب) شاخص‌های توکل

- میزان آرامش و طمأنینه در طراحی و اجرای برنامه‌ها،

اگر در حکمرانی روح توکل حاکم باشد، متصدیان امور در عین حال که دقت و تدبیر خود را در طراحی و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان به کار می‌گیرند، به تدبیر قدرت لایزال الهی تکیه داشته در نتیجه همواره با آرامش و طمأنینه و به دور از اضطراب و دلهره منتظر نتایج مثبت آن خواهند بود.

- میزان شرح صدر در مقابل انتقادات و ... ،

کسی که بر رأی و نظر دیگران و مردم تکیه کند و دنبال کسب رضایت آنان باشد، از انتقادات بر آشفته می‌شود چرا که موقعیت خود را متزلزل می‌بیند. اما کسی که توکل و تکیه بر قدرت الهی داشته باشد، همیشه احساس پشتگرمی و دلگرمی به خدا دارد در نتیجه با حوصله و شرح صدر انتقادات منتقادات را گوش می‌کند و در صورت وارد بودن آنها با کمال آرامش پذیرفته و به کار می‌بندد.

- میزان شجاعت و قوت قلب در برابر دشمنان،

— بنابه فرمایش امام علی علیه السلام ریشه قوت قلب توکل بر خداست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۷). چرا که قدرتی بالاتر وجود ندارد. لذا اگر حکمرانی بر اساس توکل بر خدا باشد، چون خود را در پناه قدرت الهی می‌بیند در برابر هیچ دشمنی ترسی به دل راه نمی‌دهد. و هرچه توکل بر خدا بیشتر، میزان شجاعت و قوت قلب بیشتر خواهد بود.

- میزان ثبات قدم و شکیبایی در حل مشکلات،

بر اساس آنچه گفته شد اگر تدبیرها و برنامه‌ها بر اساس تقوا و تعقل باشد و در پی آن بر خدا توکل شود و ایمان به وعده خداوند داشته باشد و بداند که «من یتق الله یجعل له مخرجاً و من یتوکل علی الله فهو حسبه» لذا در راهی که در پیش گرفته محکم و ثابت قدم و به حل مشکلات در پیش‌رو امیدوار و صبور خواهد بود.

- میزان عزم جزم و قاطعیت در انجام امور و..

هرکس پس از کار بست عقل و تدبیر و بر موازین تقوای الهی، بر قدرت مطلق خداوند تکیه کند طبیعی است نگران و متزلزل نخواهد شد و در عزم و اراده خود در پیشبرد امور مستحکم و قاطع خواهد بود.

ج) شاخص‌های اخلاص

- میزان تبعیت محض از ولایت

تبعیت محض از اوامر و سیاست‌های ولایت در هر شرایط اعم از زمانی که به نفع خود و گروه و جناح خود باشد یا بر ضرر آن نشانگر اخلاص و صبغه‌ی خدایی فعالیت شخص و جناح است. و برعکس اگر تبعیت از رهبری و ولایت صرفاً به زمان سازگاری با مواضع بانندی باشد نشانه عدم اخلاص بلکه نفاق است.

- میزان پرهیز از گروه‌گرایی، باندبازی و ...

اقتضای اخلاص این است که در پیشبرد کارهای کشور شایسته‌سالاری و اصلحیت به لحاظ علمی، فنی، اخلاقی و معنوی حاکم باشد هرچند فرد یا موضوع مورد نظر مربوط به حزب و گروه مخالف باشد. هرچه پایبندی به شایسته‌سالاری به معنای واقعی کلمه بیشتر باشد مرتبه اخلاص بالاتر است.

- میزان عمل در راستای منافع ملی برخلاف منافع گروه و ...

برای مخلص ملاک اصلی بلکه فرعی، عمل بر اساس مصالح واقعی اسلام و انقلاب اسلامی است؛ هر قدر مصالح اسلام و نظام اسلامی بر منافع حزبی و بانندی بیشتر ترجیح داده شود، درجه

اخلاص بالاتر خواهد بود.

- میزان تبعیت از احکام دینی و قانونی

خیلی اوقات احکام دین قانون تا جایی محترم شمرده می شود که با منافع شخصی و گروهی سازگار باشد. و این حاکی از تبعیت از منافع است. هر چه در موارد تعارض منافع با شرع و قانون، احکام شرعی و قوانین منبعث از آن بیشتر مورد توجه و پیروی واقع شود نشانگر میزان خلوص برای خدا است.

- میزان انتقادپذیری

معمولاً افرادی یا جریان‌هایی که کار را برای خدا و پیشبرد اهداف نظام اسلامی انجام می دهند، نه تنها انتقاد جریان‌های مخالف را تهدیدی برای خود نمی بینند بلکه آن را فرصتی برای اصلاح امور و توفیق قلمداد می کنند در نتیجه در مقابل انتقادات با شرح صدر و تأمل برخورد می کنند تا اگر چنانچه انتقاد وارد بود آن را در راستای مصالح نظام به کار ببندند در غیر این صورت با طمأنینه از کنارش رد می شوند.

- میزان ساده‌زیستی

مقتضای اخلاص این است که حکمرانی فرصتی برای پیشبرد اهداف دین خدا و خدمت به خلق تلقی شود نه رسیدن به منافع اقتصادی و رفاه شخصی، لذا هر چه ساده‌زیستی بیشتر و ارائه خدمات بیشتر باشد نشانگر میزان خلوص نیت بیشتر است.

(د) شاخص‌های ایثار

- میزان ترجیح منافع نظام بر منافع شخصی

ایثار در واقع ترجیح دیگران بر خود است؛ لذا در مواقع تعارض منافع شخصی با منافع اجتماعی و نظام، هر چه منافع شخصی فدای منافع ملی و نظام بشود نشاگر میزان ایثار و گذشت بیشتر می باشد.

- میزان خدمتگذاری و عمل صالح

کسی که روح ایثار و گذشت بر او حاکم باشد از آنجا که در واقع منافع خود را قربانی کرده لذا

اعمال و رفتارش در راستای خدمت به نظام و هممنوعان خود استخدام خواهد شد و معنای این چیزی نیست جز خدمت و عمل صالح.

- میزان استقامت در راه رسیدن به هدف

از آنجا که معمولاً دشمنان نظام همیشه در برابر حرکت نظام و انقلاب موانع مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و ... ایجاد می‌کنند و خیلی مواقع کارها طوری گره می‌خورد رسیدن به هدف پرهزینه می‌شود. در چنین مواقعی ترس از دشمن و خالی کردن میدان به معنای راحت‌طلبی و خلاف ایثار و کار خدایی است چرا که الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا

- میزان خطرپذیری و نترسیدن از مرگ و از دست‌دادن موقعیت

بی‌تردید و به گواه تاریخ همیشه در مقابل راه‌الله شیاطین انسی و جتنی و طواغیت قرار داشته و دارند و لازمه پیمودن راه نورانی خدا و نجات مظلومان و پیاده کردن حکمرانی الهی، مبارزه با تاریکی‌های مستکبران و طاغوت است. و طبیعی که چنین مبارزه‌ای آسان و بی‌خطر نخواهد بود. و لازمه استقامت در راه خدا خطرپذیری و جهاد بی‌پایان است و مقتضای ایثار در این مسیر گذشتن از جان و ورود در قلب خطر و بلااست هر که در راه مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند.

— میزان کمک‌های مالی به مردمان آسیب‌دیده در بلایای طبیعی مانند: سیل و زلزله و یا شیوع بیماری‌های همه‌گیر مانند وبا و کرونا و ...

بلایای طبیعی و بیماری‌های واگیردار لازمه طبیعت و زندگی بشری است و هر از چندگاهی سراغ بخشی از هموطنان و هممنوعان می‌آید. در چنین مواقعی یاری‌رسانی مالی به مال‌باختگان و مبتلایان به بیماری‌ها نوعی گذشتن از مال خود و ترجیح آنها بر خود تلقی می‌شود.

- میزان کمک‌های بدنی به مردمان آسیب‌دیده در بلایای طبیعی مانند: سیل و زلزله و ...

در حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله و یا شیوع بیماری‌های واگیردار ... گاهی پیش و بیش از نیازهای مالی به یاری و تلاش جسمی در بیرون آوردن هممنوعان از زیر آوارها و مداوای آسیب‌دیدگان و بیماران و حمل آنان به نقاط امن و پرستاری از آنها ... نیاز است که مبادرت به این کارها نوعی ایثار و نوع‌دوستی به حساب می‌آید. و میزان مشارکت در این امور بیان‌گر درجه ایثار افراد و جامعه می‌باشد.

- میزان مشارکت در جبهه‌های جنگ و مبارزه با دشمنان دین و وطن

زمانی که دین و وطن آماج حمله دشمن قرار می‌گیرد، بی‌تردید دفاع از دین و وطن مستلزم تحمل سختی‌های جنگ و جانفشانی است و مشارکت در این صحنه‌ها مصداق روشنی از ایثار و گذشت است و آمار مربوط به آنها تعیین‌کننده میزان وجود روح ایثار در جامعه می‌باشد.

- میزان کمک‌های مالی به مردمان آسیب دیده در جنگ‌های حق و باطل

بسیاری از اوقات در اثر وقوع جنگ، زن و بچه‌های مناطق جنگی از خانه و کاشانه خود آواره می‌شوند و شغل و درآمد خود را از دست می‌دهند، در چنین شرایطی یاری آنان در اسکان و امکانات زندگی و تأمین مالی آنها از توان به تنهایی دولت نیز خارج است و بر ملت است که از امکانات و دارایی‌های خود گذشته و با یاری آنان بشتابد. میزان این کمک‌ها نشانگر درجه نوع دوستی و ایثار آن ملت است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله شاخص‌ها و نماگرهای معنوی در عرصه برنامه‌ریزی پیشرفت و اجرای آنها مورد مطالعه قرار گرفت. از نظر این نوشتار، در نظام اسلامی معنویت صرفاً یک بعد از ابعاد متعدد پیشرفت همه‌جانه فکری، علمی، عرصه زندگی همچون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی و غیره نیست، بلکه روح حاکم بر کل برنامه‌های پیشرفت محسوب می‌شود.

در این نوشتار برای معرفی شاخص‌ها، از روش سیکارن استفاده شد. و براساس آن، در مرحله اول مفهوم‌سازی پیشرفت و معنویت به عنوان مهم‌ترین مفاهیم ناظر به پدیده موردسنجش مورد مطالعه قرار گرفت. و برای این منظور ابتدا ضمن ارائه کوتاه از سیر تطورات مفهوم رشد و توسعه یادآور شدیم که در ادامه تطورات مفهوم توسعه، در دهه‌های اخیر اصطلاح پیشرفت توسط آیت‌الله خامنه‌ای و با رویکرد معرفتی اسلامی به مفهوم آن، ابداع و معرفی گردید.

پیشرفت اسلامی از نظر این نوشتار عبارت است از فرایند تحول بلندمدت، همه‌جانبه، ساختاری و کیفی درون نظام اجتماعی است که نیازهای حقیقی رو به گسترش جمعیت را از طریق بسط ظرفیت‌های مادی و معنوی انسان در بستر عدالتی فراگیر به منظور دستیابی به حیات طیبه با روشی عقلانی برآورده کند.

طبق تعریف، یکی از ویژگی‌های اصلی پیشرفت در عرصه معنویت که لازمه یک حکمرانی اسلامی می‌باشد، عبارت است از «بسط ظرفیت‌های عموم انسان‌ها اعم از توانایی‌های مادی و معنوی» و ویژگی دیگر آن، مفهوم «حیات طیبه» که دارای بار ارزشی و معنوی خاصی می‌باشد به عنوان هدف پیشرفت معرفی شده است.

در مرحله دوم در راستای ارائه شاخص‌ها، معنویت به عنوان بعد قابل مشاهده و موردنظر، طرح و تعریف شد که عبارت است از حالت باطنی انسان و تجربه اتصال به عالم غیب و عالم ماورای قدسی که برآیندی از اعتقاد به توحید است به طوری که بر بینش و رفتار انسان آنچنان تأثیر عمیقی می‌گذارد که تمام رفتارها و سبک زندگی او رنگ خدایی به خود می‌گیرد و یاد او در انسان آرامش قلبی ایجاد خواهد کرد.

در مرحله سوم مؤلفه‌های معنویت که قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری دارند از قرآن استنباط و بررسی شد. برای این منظور از آیاتی که در آنها واژه «تعالوا» به کار رفته که شامل موارد مهمی است که خداوند جهت ارتقاء و ارتقای انسان‌ها که نزدیکترین مفهوم به پیشرفت معنوی است، مورد مطالعه قرار گرفت و به ترتیب: ایمان، توکل، اخلاص و ایثار به عنوان مؤلفه‌های پیشرفت استخراج و معرفی شدند.

در مرحله چهارم بر اساس مفاهیم هرکدام از مؤلفه‌ها و ماهیت و اهداف موردنظر با رویکرد ارائه نماگرها و شاخص‌های متعدد البته به روش استقرائی به شرح زیر استخراج و توجیحات لازم مطرح شد.

جدول استخراج شاخص‌ها از مؤلفه‌های معنوی پیشرفت

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
ایمان	<ul style="list-style-type: none"> - میزان پای‌بندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام - میزان اعتقاد و التزام به ویژگی‌های انسان کامل از نظر دین - میزان اعتقاد و التزام به ویژگی‌های اقتصادی اسلامی - میزان پای‌بندی به هویت ملی و دینی - میزان پای‌بندی به روابط شرعی میان زن و مرد
توکل	<ul style="list-style-type: none"> - میزان آرامش و طمأنینه در طراحی و اجرای برنامه‌ها،

<ul style="list-style-type: none"> - میزان شرح صدر در مقابل انتقادات و ... ، - میزان شجاعت و قوت قلب در برابر دشمنان، - میزان ثبات قدم و شکیبایی در حل مشکلات، - میزان عزم جزم و قاطعیت در انجام امور و.. 	
<ul style="list-style-type: none"> - میزان تبعیت محض از ولایت - میزان پرهیز از گروه‌گرایی، باندبازی و ... - میزان عمل در راستای منافع ملی برخلاف منافع گروه و ... - میزان تبعیت از احکام دینی و قانونی - میزان انتقادپذیری - میزان ساده‌زیستی و 	<p>اخلاص</p>
<ul style="list-style-type: none"> - میزان ترجیح منافع نظام بر منافع شخصی - میزان خدمتگذاری و عمل صالح - میزان استقامت در راه رسیدن به هدف - میزان خطرپذیری و نترسیدن از مرگ و از دست دادن موقعیت - میزان کمک‌های مالی به مردمان آسیب دیده در بلاهای طبیعی مانند: سیل و زلزله و ... شیوع بیماری‌ها از قبیل: کرونا و وبا و ... - میزان کمک‌های بدنی به مردمان آسیب دیده در بلاهای طبیعی مانند: سیل و زلزله و ... شیوع بیماری‌ها از قبیل: کرونا و وبا و ... - میزان مشارکت در جبهه‌های جنگ و مبارزه با دشمنان دین و وطن - میزان کمک‌های مالی به مردمان آسیب دیده در جنگ‌های حق و باطل و 	<p>ایثار</p>

منابع و مأخذ

- * قرآن.
- ** نهج البلاغه.
۱. در، همایون و سعیده اف. اتیتی (Humayon. A. dar and saidat. F. otiti)؛ «شاخص توسعه انسانی — اخلاقی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)» (بخش اول)، ترجمه ناصر جهانیان؛ اقتصاد اسلامی؛ س ۳، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۲.
 ۲. در، همایون و سعیده اف. اتیتی، «شاخص توسعه انسانی — اخلاقی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)» (بخش دوم)، ترجمه ناصر جهانیان؛ اقتصاد اسلامی؛ س ۳، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۲.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ معانی الأخبار؛ تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
 ۴. —؛ النخصال (دو جلد در یک مجلد)؛ ج ۱، چ ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق/ ۲۰۰۵م/ ۱۳۸۴.
 ۶. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی؛ ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
 ۷. بغوی، حسین بن مسعود؛ تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل؛ ط ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
 ۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)؛ ط ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
 ۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح مصطفی درایتی؛ قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.

۱۰. توکلی، محمدجواد، «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی»، *معرفت اقتصادی*؛ س ۲، ش ۲ (پیاپی ۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۱-۵۶.
۱۱. جلیل جلیلی خشنود؛ مفاهیم اساسی و روش‌های آماری؛ ج ۱، تهران: مرکز نشر صدا، ۱۳۷۹.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ ج ۱۴، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۹.
۱۳. جهانیان، ناصر؛ «مصرف فراگیر و پایدار در سایه آموزه‌های توسعه اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*؛ ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۸.
۱۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانیه گام دوم انقلاب*، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷، در: KHAMENEI.IR.
۱۵. _____؛ *بیانات در دیدار استاران و دانشجویان کردستان*، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷، در: KHAMENEI.IR.
۱۶. _____؛ *بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی*، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰، در: KHAMENEI.IR.
۱۷. _____؛ *بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵، در: KHAMENEI.IR.
۱۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*؛ تهران، انتشارات دار الهدایه، ۱۳۸۵.
۱۹. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی؛ *تفسیر روح البیان*؛ ط ۱، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
۲۰. خازن، علی بن محمد؛ *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*؛ ۴ جلد، ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۲۱. دهخدا، علی اکبر؛ *لغتنامه دهخدا*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. راغب اصفهانی؛ *المفردات فی غریب القرآن*؛ دمشق- بیروت: دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۳. سفری، علیرضا، «وحی در آئینه قرآن، قرآن، عرفان و برهان»، *بینات*؛ ش ۴۳، ۱۳۸۳، ص ۴۵-۹۹.
۲۴. شبر، عبدالله؛ *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*؛ ط ۱، کویت: شرکتة مکتبة الالفین، ۱۴۰۷ق.
۲۵. صدر المتألهین؛ *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*؛ قم: مرکز الجامعی للنشر، [بی تا].
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ط ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.

۲۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۸. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ **مجمع البحرین**؛ ج ۳، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۹. علی بن موسی (امام هشتم علیه السلام)؛ **صحیفه الإمام الرضا علیه السلام**؛ تحقیق و تصحیح محمدمهدی نجف؛ مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود؛ **تفسیر العیاشی**؛ تحقیق و تصحیح هاشم رسولی محلاتی؛ تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**؛ ط ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۲. مطهری، مرتضی؛ **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**؛ ج ۵، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
۳۳. مقاتل بن سلیمان؛ **تفسیر مقاتل بن سلیمان**؛ ط ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۳۴. مگی گلین. ای، «معنوی، امانه دینی: نقدی بر جنبش معنویت‌گرایی مدرن»، ترجمه احمد شاکر نژاد؛ سیاحت غرب؛ ش ۱۱۱، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵-۱۴۵.
۳۵. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام (امام ششم) (منسوب)؛ **مصباح الشریعة**؛ بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ق.
۳۶. موسوی خمینی، روح‌الله؛ **صحیفه امام خمینی**؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۳۷. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد؛ **اخلاق ناصری**؛ تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۶۹.
۳۸. نقی پورفر، ولی‌الله و محمدرضا احمدی؛ «شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۱، ۱۳۷۸.
39. Sekaran, Uma; **Research Methods for Business: A skill Building Approach**; 4th ed, John Wiley & Sons Inc, 2003.
40. Sen Amartya; "A decade of Human Development", **Journal of Human Development**; Vol 1 no.1, Feb. 2000.
41. Van de Ven, Brugt Kazemier and Steven Keuning; **Measuring Well-being with an Integrated System of Economic and Social Accounts**;

Division of Presentation and Integration, Department National Accounts
Statistics Netherlands, May 17, unpublished report 1999.

42. Morris, M. D; **Measuring the Condition of the World's Poor: The Physical Quantity of Life Index**; New York: Pergamon Press, 1979.

